

**پیش بسوی اعتصابات و اعتراضات سراسری
پیش بسوی اداره شورائی**

حزب کمونیست کارگری
کارگران، معلمان و بازنشستگان،
دانشجویان و سایر مردم زحمتکش را فرا
میخواند که خود را برای مقابله قاطع و
سراسری با گرانی و فقر و محرومیتی که
دزدان و جنایتکاران حاکم به اکثریت مردم
تحمیل کرده اند، آماده کنند و با ایجاد
شوراهای خود در مراکز کارگری و مدارس و
دانشگاهها و ایجاد شوراهای سازماندهی
اعتراض در سطح شهرها و محلات و با
گفتمان دولت مسئول این وضعیت است و
خرج تحریمها را ما مردم نمیدهیم،
اعتصابات و تجمعات اعتراضی سراسری
را تدارک بینند و جبهه محکمی در مقابل
فقر و فلاکت و حکومت دزدسالار و
سرکوبگر اسلامی ایجاد کنند.

**وثیقه؛ کارگران زیر بار این
زورگوئی نمی روند!**

ناصر اصغری صفحه ۳

کوپن دیجیتالی

محمدرضا پویا صفحه ۴

**چالش گرانی و پایین بودن
مزد و حقوقها!**

نسان نودینیان صفحه ۵

**40 درصد جمعیت
زیر خط فقر میروند!**

محمد شکوهی صفحه ۴

**افزایش 2 میلیون تومانی هزینه
زندگی کارگران در فروردین 98**

محمد شکوهی صفحه ۷

**آرایش جنگی
علیه مبارزات مردم**

یاشار سهندی صفحه ۶

از اعتراض و مطالبه دانشجویان معترض به حجاب و عفاف

دانشگاه تهران وسیعا باید پشتیبانی کرد صفحه 8

اعتراض کارگران نیشکر هفت تپه به حضور شورای اسلامی در شرکت

صفحه 10

تجمع اعتراضی رانندگان کامیون اردکان علیه گرانی و چهار تجمع اعتراضی کارگری علیه دستمزدهای پرداخت نشده

صفحه 10

به یاد فرزاد کمانگر، معلمی که اعدام شد! صفحه 9

**کارگر
کمونیست**

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی
fateh.bahrami@gmail.com

572

25 اردیبهشت 1398
15 مه 2019



چهارشنبه ها منتشر میشود

KANAL JADID
کانال جدید
فرکانس تلویزیون کانال جدید
ماهواره یاه ست
فرکانس : 11766
پولاریزاسیون : عمودی
سیمبل ریت : 27500
اف ای سی : 5/6

**به حزب
کمونیست کارگری
پیوندید!**



MAHMO

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

هزینه تورم و گرانی را باید چپاولگران حاکم بپردازند!

حاضر نیستند هزینه تحریم ها و سیاست های حکومت و بساط دزدسالاری را بپردازند.

حزب کمونیست کارگری کارگران، معلمان و بازنشستگان، دانشجویان و سایر مردم زحمتکش را فرامیخواند که خود را برای مقابله قاطع و سراسری با گرانی و فقر و محرومیتی که دزدان و جنایتکاران حاکم به اکثریت مردم تحمیل کرده اند، آماده کنند و با ایجاد شوراهای خود در مراکز کارگری و مدارس و دانشگاه ها و ایجاد شوراهای سازماندهی اعتراض در سطح شهرها و محلات و با گفتمان دولت مسئول این وضعیت است و خرج تحریم ها را ما مردم نمیدهیم، اعتصابات و تجمعات اعتراضی سراسری را تدارک ببینند و جبهه محکمی در مقابل فقر و فلاکت و حکومت دزدسالار و سرکوبگر اسلامی ایجاد کنند.

یکصد اعلام کنیم که حاضر به تحمل این وضعیت نیستیم. اعلام کنیم که هزینه هایی که صرف سرکوب مردم و گروههای جنایتکار اسلامی و دزدی و حقوق های نجومی مقامات و یا صرف آیت الله ها و نماز جمعه ها و مساجد و غیره میشود میتواند و باید صرف نیازهای مردم شود. جامعه این ظرفیت را دارد که با آمادگی ورق را برگرداند و زمینه را برای تعرض قدرتمند به رژیم و سیاست هایش آماده کند. راه پایان دادن به فقر و گرانی و بحرانیها و تحریمها و ناامنی نظامی پایان دادن به حکومت و سیستمی است که سرمنشاء همه اینهاست. میتوانیم و باید با قدرت اعتراض و اتحاد خود نه تنها خواستهایمان را به رژیم تحمیل کنیم بلکه مبارزه برای بزیر کشیدن رژیم فقر و فلاکت را در تمامی عرصه ها شدت بخشیم.

پیش بسوی اعتصابات و اعتراضات سراسری
پیش بسوی اداره شورایی

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۸، ۹ مه ۲۰۱۹

اکثریت مردم را شدت بیشتری بدهد. این حکومت و سیستم سرمایه داری دزدسالار حاکم، حاصلی جز ثروتهای نجومی برای یک اقلیت حریر و فقر کمرشکن برای اکثریت مردم ندارد و نخواهد داشت. مردم ایران چاره ای ندارند جز اینکه کل این حکومت و سیستم سرمایه داری آنرا از اساس جارو کنند و زمام جامعه را خود بدست گیرند. سیستمی که مدام و همزمان قاچاقچی و تروریسم و رکود و بحران و بیکاری و ناامنی و گرانی تولید میکند نباید و نمیتواند سرپا بماند. این سیستم از اساس ورشکسته است و هر روز که بیشتر سرپا بماند آسیبهایش کشنده تر خواهد بود و بدون هیچ تردیدی مردم را به فقر و مشقت های بیشتری محکوم خواهد کرد.

جمهوری اسلامی مسئول مستقیم تورم و گرانی و وضعیت فلاکتباری است که گریبان بیش از نود درصد جامعه را گرفته است و تا جمهوری اسلامی سر کار است بحران اقتصادی و فقر و فلاکت با تحریم یا بدون تحریم ادامه مییابد و تشدید میشود. اکنون با گرانیهایی که در راه است قدرت خرید ناچیز مردم بسرعت پایین تر میآید، سفره های خالی، خالی تر میشود. تغذیه اکثریت مردم به شرایط وخیم تری سقوط میکند، بیکارسازی ها تشدید میشود، بیماری، بیخانمانی، تن فروشی، اعتیاد، ترک تحصیل کودکان و کودکان کار و خیابان باز هم گسترش می یابد و نکبت فقر و گرسنگی بیشتر گلوی مردم را میفشارد. و از آن طرف آیت الله های میلیاردی جیبهای خود را پرتو پرتو میکنند، قیمت اجناس با سرعت سرسام آوری افزایش می یابد و بخش اعظم بودجه کشور صرف جریانات اسلامی و ماجراجویی های نظامی جمهوری اسلامی در منطقه، صرف سرکوب و دم و دستگاه تحمیق مذهب و صرف آیت الله ها و دزدیها و حقوق های نجومی مقامات لشگری و کشوری میشود. هیچکس تردیدی ندارد که عامل وضعیت فلاکتبار حاضر جمهوری اسلامی و دزدسالاری حاکم است. مردم

در حالی که فقر و گرانی فی الحال اکثر قریب به اتفاق مردم را به ستوه آورده است، پیشبینی میشود که قیمت ها با سرعت تندی افزایش خواهد یافت. گفته میشود که اجناس مورد نیاز مردم در آینده نزدیکی ۵۰ درصد گرانتر میشوند. گرانی فزاینده یک جزء جدایی ناپذیر از اقتصاد بحران زده جمهوری اسلامی است. یک بیماری مهلک و مزمن و لاعلاج که زندگی اکثریت مردم ایران را با مشقت غیرقابل تحملی همراه کرده است. جمهوری اسلامی همیشه گناه گرانی را به گردن عواملی خارج از موجودیت خود، خارج از سیاست و اقتصاد فاسد و چپاولگر و دزدسالار حاکم در ایران می اندازد. در حال حاضر تحریمهای بین المللی مقصر اصلی گرانی فزاینده معرفی میشوند.

اما حاکمین اسلامی و سخنگویانشان برای این سوالات پاسخی ندارند که این عوامل نظیر تحریم و امثالهم چه رابطه ای با خود موجودیت جمهوری اسلامی و بحران سازیهای منطقه ای و جهانی دارند؟ و چگونه است که در تمام دوره های تحریم و گرانی و بحران و کمیابی، واردات و خرید و فروش اجناس سوپرلوکس و ماشینهای گران قیمت و ویلاهای اشرافی و ریخت و پاشهای "آقا زاده ها" کاهش نیافته که افزایش نیز یافته است؟ چگونه است که ثروتهای نجومی و درآمد های نجومی و سودهای نجومی مفتخوران سرمایه دار بازم افزایش یافته است؟ پاسخ این سوالات را جمهوری اسلامی ندارد اما مردم میدانند. همه میدانند که گرچه تحریم ها به گرانی و تورم بیشتری منجر شده است اما سونامی گرانی و فقر اکثریت مردم محصول دزدی و فساد اقلیت یک درصدی حاکم است. یک باند مافیائی، انگل، دزد سالار، قاچاقچی و رانتخور و مصادره گر با ابعاد نجومی در تمام دوره ها ثروت اندوزی میکند و تحریمهای بین المللی و بحران اقتصادی را نیز به اهرمی تبدیل کرده که حتی دستمزدهای زیر خط فقر کارگران را بالا بکشد و به این بهانه دستبرد به سفره

کارگر کمونیست

هیئت تحریریه:

ناصر اصغری
nasser_asgary@yahoo.com
محمد رضا پویا
Mohammadreza.pooya@gmail.com
شهلا دانشفر
shahla_daneshfar@yahoo.com
بهمن ذاکر نژاد
bahmanzaker@gmail.com
داوود رفاهی
dawood.refaahi@gmail.com
یاشار سهندی
y_sahandi@yahoo.com
محمد شکوهی
moshokohi@yahoo.de
حسن صالحی
hasan.salehi2000@gmail.com
نسان نودینیان
nandiniannasroola@yahoo.de

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست.
درج مقالات در کارگر کمونیست
لزوما به معنی تأیید مضمون آنها
از جانب نشریه نیست.

شوراهای

سازماندهی

اعتراضات

را در همه جا

ایجاد کنیم!

وثیقه؛ کارگران زیر بار این زورگویی نمی روند!

ناصر اصغری



کند. اما جامعه زیر بار اینگونه زورگویی‌ها نخواهد رفت. اعتراض به وضعیت هولناکی که جمهوری اسلامی بر جامعه تحمیل کرده، حق کارگر است. حقیقتش است روز کارگر را جشن بگیرد. حقیقتش است اعتراض کند که چرا دستمزدش پرداخت نشده است. حقیقتش است همکارانش را متشکل کند. حقیقتش است به نابرابری اعتراض کند. حقیقتش است به موقعیت زن اعتراض کند. این چند مورد از میان سایر بیحقوقی‌های دیگر که در این جامعه بر کارگر و خانواده او می‌رود را یادآوری کردم که بگویم اکنون بخش وسیعی از فعالین کارگری‌ای را که جامعه می‌شناسد به "اتهام" همین نوع فعالیتها دستگیر و مورد اذیت و آزار قرار داده‌اند، و با قرار وثیقه‌های سنگینی موقتا آزاد شده‌اند. حکومت اسلامی در حول و حوش اول ماه مه امسال، حدود ۴۵ نفر از فعالین را دستگیر کرد و برخی از آنان را بعد از یکی دو روز و با تعیین وثیقه‌های سنگین موقتا آزاد کرد. جرمشان این بود که می‌خواستند اول ماه مه را جشن بگیرند. جرم بعضی‌های دیگر این بود که در

جمهوری جنایتکاران اسلامی، که کمزش زیر بار اعتراضات توده‌ای وسیع در حال شکستن است، فکر می‌کند که با دسیسه‌هایی چون بستن وثیقه به پای فعالین جنبش کارگری جان سالم بدر خواهد برد. اکنون باید در ادامه شعارهای تند و سرنگونی طلبانه جامعه با صدای بلند به کودنهای این رژیم گفت که همچنانکه مستند دیگر اثر نداشت، وثیقه هم دیگر اثر ندارد!

ظاهرا کارگر در جمهوری اسلامی هم آزاد است که نیروی کارش را بفروشد و در ازای آن دستمزد بخورد و نمیری دریافت کند. ظاهر قضیه این است که به کارگران تعهد داده شده در برابر کاری که انجام می‌دهند، دستمزدی به آنها پرداخت خواهد شد؛ اما می‌دانیم که کارگر برای نقد کردن آن دستمزد با چه مشکلاتی طرف هستند. این دستمزد که بارها زیر خط فقر است یا سر موقع پرداخت نمی‌شود، یا اصلا پرداخت نمی‌شود، یا کار کارگر را قراردادی می‌کنند که هیچگونه امنیت شغلی نداشته باشد و برای فردایش طرح و برنامه‌ای نریزد، یا دریافت آن زندگی‌اش نمی‌چرخد و به کار زیرزمینی

روز معلم تجمع کرده و از بیحقوقی‌ای که به آنها می‌شود حرف زده بودند. یک بند مهم قطعنامه‌های اول مه کارگران در چند سال گذشته آزادی بی‌قید و شرط سیاسی، تجمع، اعتصاب، اعتراض و آزادی احزاب و مطبوعات بوده است. جمهوری اسلامی کارگران و فعالین کارگری را بخاطر بلند کردن همین پرچم زندانی می‌کند و در شرط قبول وثیقه هم تأکید می‌کند که طرف دیگر نباید به اینگونه فعالیتها دست بزند. جمهوری اسلامی امیدوار است که زندانیانی که با هزار و یک مشکل وثیقه تعیین شده را تهیه می‌کنند، بخاطر تعهداتشان در قبال دوست و آشنائی که دارانی‌اش را گرو گذاشته محتاط بشوند و بعضا دست از فعالیت بردارند. اینها اما دیگر اثر ندارد. جامعه‌ای که عزم جزم کرده که این رژیم را بیااندازد، نه با زندان حکومت اسلامی مرعوب می‌شود، نه با مرعوب کردن وکلای کارگران یا پس می‌کشد و نه با بستن وثیقه به پای فعالین کارگری به قهقرا می‌رود.

ما کارگران زیر بار این زورگویی نمی‌رویم. نه مثل آخوند و آقازاده‌ها مال کسی را خورده‌ایم، نه مثل لپنهای اسلامی به روی کسی اسلحه و چاقو کشیده‌ایم و نه مثل کارفرماها و دولشان دستمزدهای کارگران را گرو گرفته‌ایم.

جمهوری اسلامی هم این را می‌داند اما همانطور که گفتم، می‌خواهد کارگران و فعالین کارگری را از دست زدن به



کارگر زندانی، زندانی سیاسی، آزاد باید گردد!

کوپن دیجیتالی

محمد رضا پویا



اوضاع اقتصادی رژیم اسلامی ساعت به ساعت رو به قهقرا است. رکود و تعطیلی مراکز تولید از یکطرف و تورم از شمارش خارج از جانب دیگر، تصویر اقتصاد به گل نشسته‌ای را ترسیم میکند که برای تامین مایحتاج اولیه جامعه هم با مشکل روبرو شده است. از همین رو بحث "کوپن" شدن برخی از اقلام، مجدداً از جانب بعضی محافل حکومتی به مطبوعات راه یافته است. برخی از آنها که گویا کماکان متوجه وخامت وضعیتشان نیستند، بحث‌های کهنه شده "اقتصاد دولتی یا اقتصاد آزاد" را از آرشو بیرون کشیده و در دفاع از یکی از آنها داستان سرایی میکنند. علیرضا حیدری از "پیشکسوتان" خانه کارگر در این زمینه میگوید: "تجربه کالای کوپن در زمان جنگ اگرچه نقابسی داشت اما برای مردم رضایت‌بخش بود که در شرایط بحران‌زده به کمک طبقات پایین‌دست آمد و امروز با امکانات عصر دیجیتال خیلی بهتر می‌توان آنرا عملی کرد." اینکه دهه شصت با امروز چه تفاوتی دارد فعلاً موضوع این مطلب نیست، اما تا جاییکه به مساله اقتصاد و کوپن برمیگردد یک قلم تفاوتش این است که اقتصاد امروز رژیم اسلامی دوره فروپاشی را دارد طی میکند. رژیم اسلامی در دوره جنگ تلاش کرد تا با کوپن کردن برخی اقلام اساسی، سرعت تورم در برخی حوزه‌ها را کند نماید که

یک مقایسه ساده مابین قیمت‌ها در سالهای اول جنگ با سالهای انتهای جنگ، نشان میدهد که موفق به اینکار نشد. جیره بندی کردن نیازهای روزانه زندگی در سایه سرکوب خونین دهه شصت میسر گردید. همین آقایان "پیشکسوتان" خانه کارگر دشنه بدست، خود بخشی از نیروی سرکوب حاکم کننده دوران خونین و سیاه دهه شصت بودند. البته ظاهراً ایشان پس از احراز پیشکسوتی در چماقکشی، در دهه نود "نظریه پرداز" اقتصاد کوپن شده است. در دوره ای که قحطی (هم به معنای کمبود کالاهای مورد نیاز و هم به معنای عدم توانایی مردم در تامین کالاهای مورد نیاز) بالای سر جامعه گرفته شده است و گرسنگی معنای اخص بخود گرفته، در جایی که کل سوخت و ساز اقتصاد از کار افتاده و باندهای ثروتمند حکومتی بر لاشه بیجان اقتصادشان برای درو کردن تئمه ثروت جامعه زوزه میکشند، فقط باید جزو اعوان و انصار همین باندها بود (بمانند همین علیرضا حیدری) تا کوپن کردن اقتصاد را در این دوره جار زد. صرف نظر از همه فرمولبندی‌های اقتصادی، بازگشت به ایده "کوپن"، امروز از سر ترس و استیصال رژیم اسلامی است. حاکمان اسلامی برای جلوگیری از فروپاشی اقتصادی در حال جریان، راه حلی ندارند. دست به همه تلاشی میزنند. یکرور آزاد کردن بنزین را اعلام میکنند، روز

بعد از ترس مردم آنرا تکذیب میکنند. یکرور گران شدن انرژی را "یواشکی" در گوشه ای از صفحه روزنامه به اطلاع میرسانند، روز بعد مسئولین روزنامه را مواخذه میکنند که چرا "شایعه پراکنی" میکنند. این استیصال قبل از آنکه اقتصادی باشد، سیاسی است. رژیم اسلامی دیگر نمی‌تواند بماند دهه شصت کوپن بدست مردم بدهد، علیرغم فقر گسترده، اعتراضات مردم چشم انداز سرنگونی را در جلو چشم سران رژیم اسلامی گرفته است. این دست و پا زدن‌ها تلاش برای خریدن وقت است. چهل سال در این مملکت، سیاست بر اقتصاد حکم رانده است. سیاست "بقاء" و ادامه حیات جمهوری اسلامی، برای ثروت عمومی جامعه تعیین تکلیف کرده است. امروز مردم برای جا کن کردن سیاست و اقتصاد رژیم اسلامی خیز برداشته اند. کوپن دیجیتالی نمی‌تواند اقتصاد پاشیده حکومت اسلامی را نجات دهد. امروز هم سیاست بر اقتصاد حکم میراند اما اینبار نه سیاست حاکمان اسلامی بلکه سیاست مردم در خیابان که میخوانند به فقر و بدبختی نشات گرفته از همین اقتصاد، پایان دهند.*

40 درصد جمعیت زیر خط فقر میروند!

محمد شکوهی

اخیراً مرکز پژوهش‌های مجلس با استناد به گزارش مرکز آمار اعلام کرده که ۴۰ درصد جمعیت ایران زیر خط فقر میروند. این گزارش می‌گوید: "برآوردها از نرخ فقر نشان میدهد در حالی که در سال ۱۳۹۶، در حدود ۱۶ درصد از جمعیت کشور در زیر خط فقر مطلق قرار داشته‌اند، تا پایان سال ۱۳۹۷ در حدود ۲۳ الی ۴۰ درصد (با سناریوهای مختلف برای وضعیت درآمدی خانوار در سال ۱۳۹۷) در زیر خط فقر قرار خواهند گرفت و هزینه تامین حداقل نیازهای زندگی به شدت افزایش خواهد یافت.

مرکز پژوهش‌های مجلس با استناد به گزارش مرکز آمارکه نرخ تورم نقطه به نقطه در اسفند ماه ۱۳۹۷ را به بیش از ۴۷ درصد اعلام کرده، به موضوع پرداخت ارز دولتی برای تامین کالاهای اساسی پرداخته و اعتراف می‌کند "اختصاص ارز ترجیحی" به واردات کالاهای اساسی هرچند هدف از اجرای این سیاست، ثبات قیمت کالاهای اساسی در بازار بود، اما افزایش قابل توجه قیمت کالاهای اساسی در بازار باعث شد تا این سیاست از اهداف خود باز مانده و تورم کالاهای اساسی به ۵۳ درصد برسد."

گزارش اعتراف می‌کند که در مقایسه با سال ۹۶ جمعیت زیر خط فقر در ایران دو برابر شده است و ثانید کرده که سیاست اختصاص ارز برای واردات به بهانه "جلوگیری از تورم" شکست خورده است و این باعث شده تورم کالاهای اساسی به ۵۳

درصد برسد. جالب است همین مجلس حکومت در سال ۹۷ دولت را موظف کرد که برای "مهار گرانی ها" ارز ۴۲۰۰ تومانی برای وارد کنندگان کالاهای اساسی بدهد تا گرانی‌ها فروکش نماید. الان اعتراف می‌کند که این سیاست شکست خورده و گرانی‌ها بالاتر هم رفته است. از طرف دیگر هر نهاد و مرکز رژیم آمارهای خاص خودش از میزان گرانی‌ها را ارائه می‌دهد. سوال این است این ارز‌ها به کجا رفته و چرا گرانی بیشتر شده است؟

هفته گذشته بانک مرکزی رژیم رسماً اعلام کرد که ۳۰ میلیارد دلار ارز دولتی به داخل برنگشته است. از این مبلغ رقمی نزدیک به ۱۴ میلیارد دلار برای واردات کالاهای اساسی بود که معلوم نیست آیا اصلاً کالایی وارد شده یا نه.

در ادامه لیست هزار شرکت دولتی و وابسته به بیت رهبری را اعلام کرد که ارز ۴۲۰۰ تومانی دریافت کرده اند و اثری از واردات کالا دیده نمیشود. در میان دریافت کنندگان ارز دولتی موسسه خیریه امیر المومنین، بنیاد برکت وابسته به خامنه‌ای، شرکت‌های دانش بنیان، شرکت‌هایی که عمدتاً در عرصه نظامی تحقیقات می‌کنند، در کنار دهها نهاد و شرکت دیگر قرار دارند که به اعتراف گزارش بانک مرکزی فعالیت اقتصادی هم ندارند ولی ارز گرفته اند، دیده میشود.

خودشان میگویند هزار شرکت و نهاد وام گرفته اند و کالا وارد نکرده اند و گرانی‌ها بیشتر

پاسخ فقر و گرانی:
سرنگونی حکومت

چالش گرانی و پایین بودن مزد و حقوقها!

نسان نودینیان



داشته باشند" خط فقر برای یک خانوار کارگری در شهرهای بزرگ ۳ میلیون و ۷۵۰ هزار تومان در نظر گرفته شده است. پس از به اصلاح افزایش ناچیز دستمزد کارگران، این حقوق به یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان رسیده و همچنان اختلاف یک میلیون و ۹۵۰ هزار تومانی بین خط فقر و دستمزد کارگران وجود دارد. این آمار در شرایطی اعلام شده که تعداد زیادی از اقتصاددانان میزان خط فقر در تهران را بیش از ۴ میلیون اعلام کرده و گفته اند برای تامین زندگی انسانی هر

دنیای سیاست و اقتصاد هم تاکنون نتوانسته‌اند خود را از دکتترین اقتصاد سیاسی ناسامان و ویران شده بر پایه های "فقر و گرانی، فساد و اختلاس، حقوقهای نجومی و ثروت های فرعونی هزاران میلیاردی و دزدی" خلاص کنند.

در چهار دهه گذشته اقتصاد تحت حاکمیت جمهوری اسلامی تا به امروز، چه بی‌تحریم و چه با تحریم، ناسامان و درهم شکسته است. برجام و طرح های اتحادیه اروپا (اینس تکس) هیچکدام نمیتوانند این اقتصاد ویران و بحرانی را که بر پایه رانت خواری و فساد مالی و اختاپوس اقتصادی سپاه پاسداران قرار گرفته نجات دهند. تیر اخبار با چالش گرانی و پایین بودن مزد و حقوقها! تا زمانیکه جمهوری اسلامی در حاکمیت قرار دارد، همین ها خواهد بود و روز بروز بد و بدتر و زندگی بر بیش از هشتاد میلیون مردم در ایران تلخ‌تر و اسفبارتر میشود.

در میان مشکلات و زوایای گوناگون معضلات زندگی تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، برخی از چالش هایی که در عرصه فقر و گرانی که کارگران و مزدبگیران در شرایط کنونی با آنها درگیر هستند و در اخبار برجسته میشود عبارتند از:

۱- "بیش از ۶۰ درصد کارگران ایرانی مجبورند شغل دوم

در یک هفته گذشته تیرهای خیری تکان دهنده هستند. اقتصاد سیاسی در نظام حکومت اسلامی در چهار دهه گذشته سوژه دائمی اقتصاددانان و سیاستمداران است. در کمتر نظام سیاسی و حکومتی در سطح خاورمیانه به اندازه ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی بررسی و توجه به اقتصاد سیاسی انجام شده است. به این دلیل ساده و عام پسند که در نظام جمهوری اسلامی اقتصاد و سیاست تابعی جدی از ادامه حیات و بقا ایدئولوژی و حاکمیت اسلام سیاسی است. به این دلیل که اقتصاد سیاسی تابعی از نیروها و دولتهایی است که باید پاسدار حفظ نظام باشند. در نظام جمهوری اسلامی واژه فقر و گرانی، فساد و اختلاس، حقوقهای نجومی و ثروت های فرعونی هزاران میلیاردی دزدی در هر تحلیل و ارزیابی از چرایی ناکارآمد بودن اقتصاد سیاسی بمیان میاید. کمتر شهروند و مردم عادی را ما میبینیم که از این واژه ها در ارتباط با اوضاع ناسامان کنونی استفاده نکند. اغراق نیست اگر بگوئیم که واژه های "فقر و گرانی، فساد و اختلاس، حقوقهای نجومی و ثروت های فرعونی هزاران میلیاردی دزدی" توسط هر یک شهروند در سال بیش از صدبار تکرار شده است. تحلیلگران

صورت شخصی مسافرکشی می‌کنند از کارگران هستند که بعد از تعطیل شدن کارگاه و واحد تولیدی و محل کار خود مجبور به کار دوم می‌شوند. ۳- "بیش از ۴۰ میلیون زیر خط فقر هستند" ۴- "بیشترین شکایت‌های کارگران در سال ۹۷ مربوط به پرداخت نشدن عیدی، پاداش و دستمزد بوده است"

۵- "کاهش وضعیت رفاهی کارگران در ایران". آمار سازمان تامین اجتماعی نشان می‌دهد وضعیت رفاهی کارگران در ایران در سال ۹۷، نسبت به سال قبل از آن، نزدیک به ۷۴ درصد کاهش یافته است.

۶- "جزیره بهشت". شورای بازنشستگان ایران در بیانیه‌ای اشاره کرد که حکومت از سال‌ها پیش با استناد به ماده ۱۳۰ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها،



به بهانه کمک به خانواده زندانبانان، هزاران تن از آنان را در مرکز اشتغال و حرفه‌آموزی با کمترین و نازل‌ترین دستمزد به کار گرفته است. این شورا با استناد به آمار رسمی همچنین نوشت که بیش از ۲۴ هزار و

خانوار ۴ نفره باید بیش از ۷ میلیون تومان درآمد ماهانه داشته باشد.

۲- "۶۰ تا ۷۰ درصد کارگران شغل دوم دارند!" بین ۶۰ تا ۷۰ درصد کارگران شغل دوم دارند، ۴۰ تا ۵۰ درصد کسانی که به

پیش بسوی تشکیل شوراهای مستقل مردمی!

آرایش جنگی علیه مبارزات مردم

یاشار سهندی

خامنه ای دستور داده که کاربدستان حکومت آرایش جنگی بگیرند و اپوزیسیون راست هم آرایش جنگی گرفته است. رسانه ها تصاویری از حرکت رزمناوها و بمب افکن های امریکا را به سوی منطقه خاورمیانه و ایران بازتاب میدهند. مفسران و کارشناسان برجسته بورژوازی در زمینه جنگ این روزها بار دیگر کار و کاسبی شان گرفته است و چپ و راست از موقعیت دو طرف و توان نظامی آنها حرف میزنند و مانند یک شرط بند قهار روی برنده یعنی امریکا شرط بندی کردند! با اشتیاق تمام از احتمال یک "اتفاق پیش بینی نشده" حرف میزنند که میتواند شعله جنگ را برافروزد. از دیدن رزمناو آرلینگتون و ناو هواپیمابر لینکلن و جنگنده های مستقر روی آن، آب از لب و لوجه های شان راه افتاده: "ماشین جنگی امریکا یک ماشین عظیم است... راه انداختن این ماشین عظیم و برنامه ریزی برای عمل آن، مقدمات دارد. مقدماتی که شاید چند صد کارشناس، طرح اولیه اش را می ریزند، چند ده سیاستمدار کارکشته و جنگ دیده این طرح را تصویب می کنند،

چند ژنرال قدر و دارای تجربه ی جنگ واقعی، اجرای طرح را به مرحله ی عمل می رسانند و این دستگاه، به راه می افتد. وقتی این ماشین به راه بیفتد،... دیگر از کار نمی افتد... این دستگاه می آید تا دشمن را نابود کند یا حداقل او را از پا بیندازد...*" آنچه که ذکر شد مشت نمونه خرواری از سر از پا نشناختن کسانی برای شروع جنگ است و به ما اطمینان میدهند: "اخلاقیات جنگ، با اخلاقیات زمان صلح فرق می کند. در جنگ، اصل، پیروزی به هر قیمت است. نباید انتظار داشته باشیم با پیش کشیدن موضوعات اخلاقی و روابط عادی انسانی، چنین جنگی آغاز نشود." خیلی ممنون که یادآور شدند پیروزی به هر قیمتی ملاک است و هر چه بر سر زندگی توده مردم می آید به جهنم باید بی خیال این شد که در صورت وقوع جنگ همه دستاوردهای مبارزاتی مردم به باد فنا خواهد رفت.

بورژوازی چه در در قدرت، چه در اپوزیسیون با بزرگ کردن آرایش جنگی به شدت در تلاشند که توده مردم را به گوشه رینگ برانند تا از مطالبات انسانی خود

یعنی معیشت و منزلت دست بردارند. جنگی که هنوز شروع نشده مبارزات و اعتراضات مردم را هدف گرفته است. تو سر ما مردم میزنند چون خودت به رهایی خود اقدام نمی کنی. نیروی خارجی اقدام کرده است. البته ضمن رعایت این مسئله که خارجی نباید برای ما کاری کند و او به فکر منافع خود است! اما در واقع اینها همسو با جمهوری اسلامی در تلاشند که نقش مردم را برای سرنگونی جمهوری اسلامی کم رنگ و کم رنگتر کنند.

هیاهویی که بر سر وقوع جنگ راه افتاده بیش از پیش بر این تاکید میکند منفعت مردم با منفعت بورژوازی هیچ سختی ندارد. جنگ به قول خمینی برکت است، چه برای جمهوری اسلامی چه برای امریکا و اپوزیسیون راست، چرا که با مرعوب کردن جامعه و در صورت وقوع با از هم پاشاندن شیرازه جامعه توده مردم را خلع سلاح میکنند. آرایش جنگی و تبلیغات جنگی مهمترین اثرش این است که توده مردم را منفعل میکند و این آن چیزی است که بورژوازی در پی آن است و بسیار مایل هستند که از بالا به توافقاتی برسند و در حال حاضر امریکا قصد رژیم چنج ندارد فقط میخواهد جمهوری اسلامی دست و پایش را از منطقه جمع

کند و در داخل سر مردم هر چه آورد مسایل داخلی محسوب خواهد شد. اینکه جمهوری اسلامی پای این مسئله میروید یا نه موضوع بحث این یادداشت نیست؛ آنچه مهم است این شرایط و این جو جنگی که راه انداخته اند بهانه ای است برای اینکه توده مردم را مستاصل کنند تا صحنه را خالی کنند.

تبلیغات کذایی اپوزیسیون راست و تبلیغات دروغین جمهوری اسلامی که مرد جنگ هستند، هر دو مبارزات مردم را نشانه گرفته است. راه مقابله با این وضعیت گسترش اعتراضات است. راه جلو گیری از وقوع جنگ و پایان بخشیدن به تبلیغات بغایت کثیف جنگی، پایان دادن به عمر حکومت اسلامی است. ۴۰ سال این حکومت عمر خودش را در کنار کشتار و سرکوب بی رحمانه بر مبنای این تبلیغات تداوم داده است.

بقولی " برای سرمایه داری جنگ و صلح چیزی جز کسب و کار نیست." حتی در زمان مثلا صلح همیشه در حال جنگ است و دشمن خارجی (از امریکا تا جمهوری اسلامی) برای بستن دهان دشمن داخلی یعنی طبقه کارگر بسیار حیاتی است. و این همه برای این است که فضای کسب و کار برای سرمایه مهیا شود تا کارگر که

دست اش از همه جا کوتاه است خود را فردی بیاید آماده تن دادن به هر شرایطی جهت استعمار شدن. بخش عظیمی از تولید جامعه صرف تولید کالاهایی میشود که مصرف آن نابودی حیات انسانها و ویرانی سکونت گاههای انسانها را در پی دارد. راه افتادن ناوهای جنگی، مانورهای نظامی در سراسر کره زمین هدف مرعوب کردن جامعه بشری را دارد و اکنون این فضای رعب آور جنگی جامعه ایران را هدف گرفته است که در دو سال گذشته گامهای مهمی در جهت رهایی از ستمکاری سرمایه برداشته است. در جنگ و صلح سرمایه داری، توده مردم که تنها نیروی کارشان را در اختیار دارند کتک خورده و غارت میشوند و به استعمار کشیده میشوند. برای پایان بخشیدن به این وضعیت باید به سرمایه داری پایان داد و برای ما کمونیستهای ایران اولین و مهمترین و فوری ترین امر پایان بخشیدن به عمر نکبت بار جمهوری اسلامی است.

*: نقل قول از فردی با نام مستعار "ف م سخن" است که در یادداشتی با عنوان "وقتی ماشین جنگی امریکا به راه بیفتد..."; منعکس شده و در یادداشتهای دیگری ایشان شفتگی خود را به ماشین جنگی امریکا ابراز داشته است.



کنار نپرداختن ماهها دستمزد به کارگران زمزمه های اعتراض در مراکز کارگری و در میان رانندگان کامیون و کامیونداران و بخش های مختلف جامعه را شدت داده است. برپایی تجمعات اعتراضی و اعتصابات سراسری یک پاسخ فوری به این شرایط است.

پیش بسوی اعتصابات سراسری

پیش بسوی ایجاد شوراها

حزب کمونیست کارگری ایران

۹ مه ۲۰۱۹ - ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۸

از صفحه 10

تجمع اعتراضی رانندگان کامیون اردکان علیه گرانی ...

همزمان با تجمع روز ۱۶ اردیبهشت زنان کارگر سازمان پسماند شهرداری اهواز نیز بخاطر کاهش دستمزدها و تعویق پرداخت آن و نیز نپرداختن چندین ماه حق بیمه شان به سازمان تامین اجتماعی مقابل ساختمان شورای اسلامی شهر اهواز تجمع داشتند. سونامی جدید گرانی و از جمله گرانتر شدن نان در

افزایش 2 میلیون تومانی هزینه زندگی کارگران در فروردین 98

محمد شکوهی



مختلف کارگری به اجرا در نیامده است، نیز نخواهد توانست بهبودی در سبب معیشت کارگران و مردم بوجود بیاورد. اشاره این دار و دسته ها به تورم ۵۷ درصدی کالاهای اساسی و مقایسه آن با سبب معیشت از طرف خانه کارگر و شوراهاى اسلامى، ذره ای از این واقعیت کم نمی کند که خود این دار و دسته ها و تشکل های حکومتی از عاملان و بانان اصلی تحمیل دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر و تحمیل فقر و فلاکت بر طبقه کارگر می باشند. خود همینها در مذاکرات بر سر دستمزد پشت پیشنهاد وزارت کار و دولت رفتند و با دفاع از سیاست دولت و

هزینه‌های کارگران در فروردین ۹۸، بیش از ۲ میلیون و ۱۴۰ هزار تومان افزایش یافته است. لازم به توضیح است که حکومت سبب معیشت خانوار در اسفند ۹۷ را ۳ میلیون و ۷۵۹ هزار و ۲۶۲ تومان تعیین کرده بود.

اشاره اینها به افزایش تورم ۵۷ درصدی قیمت کالاهای اساسی اعترافی به افزایش گرانی ها و کاهش قدرت خرید کارگران می باشد. قدرت خریدی که روز به روز در نتیجه سیاستهای ضد کارگری دولت روحانی و افزایش گرانی ها مدام سقوط می کند. در این میان ادعای افزایش ۳۶ درصدی دستمزدهای ۹۸ توسط دولت که هنوز در بخشهای

این هفته رسانه های حکومتی با اشاره به آمار و ارقام اعلام شده در مورد تورم و گرانی کالاهای اساسی از طرف ارگانهای آمارگیری حکومت در فروردین ماه امسال گزارش دادند که هزینه تامین معیشت کارگران در این ماه افزایش بیش از دو میلیون تومانی داشته است. اینها ضمن گزارشی به بررسی این موضوع پرداخته و از قول فرامرز توفیقی از دار و دسته های شوراهاى اسلامى کارنوشته است: "بررسی تورم ۵۷ درصدی سبب معاش در فروردین ماه نشان می دهد که کارگران به ۲ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان اضافه برای حفظ قدرت خرید نیاز دارند. با محاسبات دقیق سبب معاش مشخص می شود

کارفرمایان در تحمیل این وضعیت به کارگران نقش ایفا کردند و از سوی دیگر وقیحانه و بی شرمانه پز "دفاع از معیشت کارگران" میگیرند.

واقعیت این است که به هیچ آمار و ارقام حکومت درباره گرانی و تورم نباید اطمینان کرد. ابعاد گرانی قیمت کالاهای اساسی بسیار بالاتر از آن رقمی است که دولت و کل این باندها اعلام می کنند. کاهش قدرت خرید، انجماد دستمزدها علیرغم وعده افزایش ۳۶ درصدی بعلاوه حق مسکن که دولت و کارفرمایان برای امسال اعلام کرده اند، وضعیت معیشت و زندگی طبقه کارگر را با مخاطرات بسیار جدی تری رو برو کرده است. در این میان بهانه تحریمها و "خطر جنگ" هم به مجموعه بهانه های رژیم در تلاش برای تحمیل فقر و گرسنگی بر کارگران اضافه شده است.

دولت روحانی و کل جمهوری اسلامی عامل و بانی دیگری وجود ندارد.* افزایش فوری دستمزدها بالای ۷ میلیون تومان در کنار تامین اقلام مورد نیاز کالاهای اساسی برای همه کارگران و حقوق بگیران، از مهمترین مطالبات و خواستههای کارگران برای برون رفت از این وضعیت می باشد که باید شعار و مطالبات همه اعتراضات کارگران باشد. دولت مسئول گرانی ها و افزایش گرانی ها و تحمیل فقر و فلاکت می باشد. باید دولت و کارفرمایان را زیر ضربت اعتراضات سراسری گرفت، راه دیگری وجود ندارد.*

از صفحه 4

۴۰ درصد جمعیت زیر خط فقر میروند!

کنار دیگر سیاستهای ضد کارگری و ضد مردمی دولت روحانی و کل نظام می باشد. دستمزد کارگر را ماهها نمی پردازند، گرانی قیمت کالاهای اساسی را رسماً مدیریت می کنند و هر روز کالاها را گرانتر می کنند و سودهای افسانه ای از قبل این کار به جیب می زند. بعدش هم با وقاحت خاص آخوندی و شیدای شان اعلام می کنند ۴۰ درصد جمعیت زیر خط فقر می رود.

مسئول این وضعیت دولت و کل نظام فاسد، دزد و چپاولگران اسلامی سرمایه می باشد. همین گزارش نشان می دهد که دولت و مجلس و در یک کلام کل حکومت مشغول چه کاری

شده است. وقاحت حکومت دزدان و اختلاسگران حد و مرزی ندارد. تا همینجا یک نکته مسلم است، سیاست اختصاص ارز ۴۲۰۰ تومانی دولتی که باندهای حکومت دزدان به آن "ارز ترجیحی" میگویند، خود عامل و بانی گرانی ها و تحمیل فقر و فلاکت به کل مردم کشور می باشد. اینها پول ها را گرفته و کارهای دیگری کرده اند.

خود همین سیاست بانی و عامل اصلی سوق دادن ۴۰ درصد جمعیت به زندگی های زیر خط فقر می باشد. سقوط زندگی و معیشت ۴۰ درصد از جمعیت به زیر خط فقر یک نتیجه مستقیم همین سیاستها در

پاسخ فقر و گرانی: سرنگونی حکومت

...

پاسخ ما دفاع متحدانه از خواستههای اساسی مان است. باید یکپارچه و سراسری علیه مافیای حاکم و کل سرمایه داران حریص بایستیم و تمام حقوق خود را بی تخفیف طلب کنیم. نباید اجازه دهیم بیش از این زندگی مان را تلخ و غیرقابل تحمل کنند. رفاه حق همه مردم است. معیشت و مسکن مناسب و درمان رایگان حق بی چون و چرای تک تک ماست. بیمه بیکاری مکفی حق همه بیکاران است. دستمزد و حقوق مناسب حق همه کارکنان است. اینها و تمام حقوق انسانی خود را باید همین امروز با صدای رسا فریاد بزنیم و طلب کنیم. اینها را باید از حلقوم مافیای حاکم بیرون کشید. نباید در مقابله سراسری و متحدانه علیه حاکمین ذره ای تامل کرد. بگذار با مبارزه ما این حکومت با تمام سیاستها و اقتصادش از هم پاشد و سرنگون شود. با ایجاد شوراهاى هماهنگی اعتصابات و اعتراضات از زندگی خود متحدانه دفاع کنیم!

هستند و چه چیزی اولویتشان می باشد. اختلاس، دزدی، قاچاق، تامین منابع مالی برای حمایت از تروریسم اسلامی، تامین هزینه جنگ نیابتی شان در یمن، سوریه و بخشا عراق، در کنار لفت و لیس های افسانه ای نهادهای پر قدرت نظامی و اطلاعاتی و امنیتی حکومت و... پایه و اساس سیاستهای حکومت می باشد. برای حکومت آدمکشان اسلامی سرمایه تامین حداقل های یک زندگی بخور و نمیر برای شهروندان جامعه، هیچ موقع در اولویت نبوده و نیست. مردم هرچه که دارند از سایه زور اعتراض و مبارزه شان بود که به حکومت دزدان تحمیل کرده اند. حکومتی که نمی تواند حداقل های یک زندگی بخور و نمیر را برای شهروندانش تامین بکند، باید گوش را گم بکند.*

از اعتراض و مطالبه دانشجویان معترض به حجاب و عفاف دانشگاه تهران وسیعا باید پشتیبانی کرد



■ در تجمع اعتراضی علیه حجاب و عفاف چه گذشت؟

روز دوشنبه ۲۳ اردیبهشت ۹۸، دانشجویان دانشگاه تهران طبق فراخوان قبلی، در اعتراض به حجاب و عفاف و قوانین اسلامی و علیه حضور گشت ارشاد دانشگاهی تجمع اعتراضی وسیعی را شکل دادند. تجمعی که فاصله کمی از تجمع اول ماه مه روز جهانی کارگرمقابل مجلس در اعتراض به استثمار، فقر و گرانی و سیاست های ضدانسانی موجود برگزار شد، جدال عمیق تر دانشجویان را با نظام سرکوبگر جمهوری اسلامی در بطن گسترش جنبش عظیم سرنگونی علیه این حکومت نشان میداد.

در این تجمع که با حضور پرشور دانشجویان، و مشخصا حضور چشمگیر دانشجویان زن در صف مقدم اعتراض با در دست داشتن شعار رهایی زن رهایی جامعه برگزار شد، دانشجویان اعلام کردند که آیین نامه برخورد های انضباطی با دانشجویان، نقض آشکار حقوق انسانی و تجاوز و تعرض به حریم خصوصی دانشجویان بخصوص دانشجویان زن است.

دانشجویان با روحیه بسیار بالای مبارزاتی در اعتراض به حجاب، این ابزار سرکوب زنان و جامعه و با شعارهای زیر تجمع را آغاز کردند:

نه به حجاب اجباری

بیکاری، بیگاری، حجاب زن اجباری

نان، کار، آزادی، پوشش اختیاری

آزادی انتخاب حق مسلم ماست

پوشش اختیاری حق مسلم ماست

لغو فوری قوانین تبعیض آمیز و تفکیک جنسیتی

نه به گشت ارشاد دانشگاهی

تجمع کنندگان با در دست داشتن تصاویر دانشجویان در بند، در اعتراض به بازداشت فعالین در تجمع اول ماه مه روز جهانی کارگر، مشخصا فعال دانشجویی مرضیه امیری، به سرکوب های سازماندهی شده حکومتی اعتراض کردند و خواهان آزادی آنها شدند.

■ حمله ناموفق گله های نیروهای امنیتی

و بسیجی به تجمع دانشجویان

در حین تجمع دانشجویان، گله های هدایت شده از نهادهای خارج دانشگاه از جمله حوزه و نیروهای امنیتی و بسیج و لباس شخصی به تجمع دانشجویان حمله کردند و با شعار "الله اکبر" که چهل سال جمهوری اسلامی با این شعار جنبشهای اعتراضی را سرکوب کرده، زندانی کرده، شکنجه کرده، شلاق زده، سنگسار و اعدام کرده سعی در

متفرق کردن دانشجویان کردند. حتی با ضرب و شتم برخی دانشجویان، خشونت و وحشیگری نمایندگان جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشتند. اما هیچ اقدامی از طرف این محافظان نظام و ارزشهای ضدانسانی آن نتوانست تجمع دانشجویان را بر هم بزند.

دانشجویان راهی سالن آمفی تاتر شدند و در آنجا هم نیروهای بسیجی و امنیتی بدنبال دانشجویان راه افتادند و درگیری ادامه پیدا کرد. یک دانشجوی بسیجی به روی سن رفت تا سخنرانی کند که با شعار "بسیجی بیا پایین" مواجه شد و بسیجیان نتوانستند به این شیوه هم فضای اعتراضی را مهار کنند. دانشجویان آزادیخواه، مدافع برابری، سکولاریزم و انسانیت موفق شدند بیانیه اعتراضی خود را در حضور رئیس حراست، رئیس دانشگاه و دیگر مسئولین دانشگاه قرائت کنند و در حضور این نمایندگان آموزش عالی جمهوری اسلامی، علیه گشت ارشاد دانشگاهی، علیه حجاب اجباری و سرکوب زنان و علیه سرکوب های سازماندهی شده نظام دیکتاتوری جمهوری اسلامی، اعتراض خود را آشکارا اعلام کنند.

در همین حین نیروهای امنیتی درب دانشگاه را بسته ولی دانشجویان با شعارهای؛ اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمومه ماجرا، بیکاری، بیگاری، حجاب زن اجباری، نه به گشت ارشاد دانشگاهی، نیروهای سرکوبگر را کلافه کردند. تا جایی که نیروهای محافظ نظام به التماس دانشجویان افتاده بودند که دیگر شعار ندهند.

■ تاثیر سیاسی اعتراض دانشجویان به

شرایط اقتصادی و بی حقوقی اجتماعی و

سیاسی با عناوین "نه به بیکاری، بیگاری و حجاب اجباری"

دانشجویان در راستای اعتراضات قبلی خود علیه سیاست های ضدانسانی سرمایه دارانه و نئولیبرالیستی، علیه تشدید

خصوصی سازیها، علیه فقر و ستم طبقاتی، و در ادامه مبارزات رادیکال و پیشرو زنان، کارگران، معلمان و بازنشستگان خواسته های خود را شرح زیر اعلام کردند و هشدار دادند که تا پایان یافتن این وضعیت به جدال خود با جمهوری اسلامی ادامه میدهند؛

۱. لغو حجاب اجباری و انتخاب آزادانه پوشش.

۲. لغو قوانین تبعیض آمیز علیه زنان و لغو تفکیک جنسیتی به هر شکل و در هر زمینه.

۳. جدایی دین از آموزش و پرورش و دانشگاه ها.

۴. انحلال فوری همه نیروهای نظامی، شبه نظامی، امنیتی مانند کمیته های انضباطی، حراست، نمایندگی رهبری، بسیج و غیره در دانشگاه. ممنوعیت اکید ورود پلیس و نیروی انتظامی. گشت ارشاد به دانشگاه.

۵. آزادی های بی قید و شرط سیاسی مانند آزادی بیان، تجمع، تشکل، تحزب، اعتراض، اعتصاب، و سایر

فعالیت های دانشجویی نظیر فعالیت های فرهنگی و علمی وغیره.

در تجمع این روز دانشجویان یکبار دیگر نشان دادند

که دانشگاه پایگاه و مرکز برابری طلبی، سکولاریزم،

ازادیخواهی و بلندگوی سیاسی جامعه است، اعلام کردند

که زیر بار ستم نمی روند، و بار دیگر قدرتمندانه تر پیام

خود و کل جامعه را به جمهوری اسلامی فرستادند که نه

تهدید نه زندان نه احکام نه شکنجه هرگز اثر ندارد و

دانشگاه یک پایگاه سیاسی چپ در جامعه است که به

نماینده نه فقط دانشجویان بلکه بنماینده اکثریت مردم

ایران با قدرت برای پایان دادن به این وضعیت به پیش

میرود.

دانشجویان با سازماندهی و برگزاری این تجمع باشکوه

اعتراضی نشان دادند که امروز کمونیزم سیاسی، پراتیک و

انقلابی و خواسته های سوسیالیستی نه تنها در جامعه بلکه

در دانشگاه نیز دست بالا دارد. این تجمع گواه آشکار این

صفحه 9

به یاد فرزاد کمانگر، معلمی که اعدام شد!



علیرغم کمپین جهانی برای نجاتش، از ما گرفتند. ولی ما کوتاه نیامدیم و سر خم نکردیم. می ایستیم و پر شور تر از گذشته ندای آزادی را سر می دهیم. می ایستیم و حقمان را می گیریم. می ایستیم و می جنگیم تا دیگر اعدامی وجود نداشته باشد و فرزادهای دیگری اعدام نشوند. در هیچ کجای دنیا سرکوب و ستم پایدار نبوده است. در ایران بنای حکومت اسلامی زیر فشار مردم معترض در حال ریزش است. مردم زجره دیده ایران سر سازشی با این رژیم جانی ندارند. این مردم آرام نخواهند گرفت تا زمانی که سران جنایتکار جمهوری اسلامی به دلیل تحمیل فقر و تنگدستی به مردم و انجام جنایات بیشمار و کشتن دهها هزار زندانی سیاسی و کسانی نظیر فرزاد کمانگر به پای میز محاکمه کشیده نشوند.

یاد فرزاد کمانگر گرامی باد!

حسن صالحی
سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام

دارند. از او بعنوان معلمی دلسوز و دوست داشتی و متعهد به آموزش صحیح یاد می کنند. همکارانش نیز از او بعنوان انسانی اسم می برند که دلش برای حقوق کودکان و زنان و معلمان و می تپید و انسانیت را آرزو می کرد. حتی جهانیان در مورد او نظر بسیار مثبتی داشتند. فرزاد کمانگر و ایستادگی اش در مقابل جانین حاکم بر ایران و مبارزه او علیه ستم و نابرابری از وی، برخلاف تصویر دروغین حکومتیان، چهره محبوبی ساخته بود. در دوسالی که نام فرزاد کمانگر جهانی شد، برای نجاتش از اعدام، آکسیونهای زیادی برگزار شد. کمیته بین المللی علیه اعدام به سهم خود در کنار دهها نهاد و سازمان انساندوست دیگر برای رهایی فرزاد کمانگر از مرگ، با چنگ و دندان و تا آخرین لحظه جنگید.

او در یکی از نامه هایش از زندان به سختی راه، همچون داستان ماهی سیاه کوچولو، اشاره کرده بود. اما گفته بود که "می دانم روزی این راه سخت و پر فراز و نشیب، هموار گشته و سختی ها و مرارت های آن نشان افتخاری خواهد شد " برای تو معلم آزاده"، تا همه بدانند که معلم، معلم است حتی اگر سدراهش فیلتر گزینش باشد و زندان و اعدام، که آموزگار نامش را، و افتخارش را ماهیان کوچولوش به او بخشیده اند، نه مرغان ماهیخوار!"

اعدام فرزاد کمانگر و فرزاد کمانگر ها هیچگاه نتوانست خللی در عزم و اراده مردم ایران برای مقابله ستم و تبعیض و نابرابری ایجاد کند. فرزاد کمانگر را

یکشنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۹ فرزاد کمانگر معلم دلسوز و مبارز بهمراه شیرین علم‌هولی و سه زندانی دیگر توسط جمهوری جنایتکار اسلامی به دار آویخته شدند. در سالگرد این جنایت یادی کنیم از فرزاد کمانگر. فرزاد کمانگر در مرداد ۱۳۸۵ دستگیر شد. او را در زندان مورد ضرب و شتم شکنجه وحشیانه قرار دادند و سپس در دادگاهی، که در واقع بیدادگاه بود، حکم اعدام برایش صادر کردند. لیست اتهاماتی که جمهوری اسلامی به فرزاد کمانگر نسبت داد تقریباً همان لیستی است که به همه مبارزین و آزادیخواهان نسبت داده است: تروریست، عضویت در احزاب اپوزیسیون، شرکت و یا تدارک عملیات مسلحانه، تجزیه طلب، ایجاد خطر برای امنیت ملی و ...

اما شاگردان فرزاد کمانگر در مورد وی نظر دیگری



از صفحه 8

از اعتراض و مطالبه دانشجویان معترض به حجاب و عفاف دانشگاه تهران وسیعاً باید پشتیبانی کرد

بود که معضل اصلی اکثریت مردم ایران، جمهوری اسلامی است و مردم برای دستیابی به یک جامعه آزاد، برابر، با رفاه همگانی و منزلت اجتماعی باید این حکومت را از سر راه خود بردارند.

این تجمع، آشکارا تاثیر جنبش نوین رهایی زن را در فضای مبارزات دانشگاه و در پیوند با جنبش دانشجویی نشان داد و اینکه پرچم رهایی زن، امروزه نه فقط در دست زنان و مدافعان حقوق زنان، بلکه بین دانشجویان چپ و رادیکال نیز دست بدست میشود. در دو هفته اخیر، در دو تجمع اعتراضی اول ماه مه روز جهانی کارگر و تجمع دانشجویان دانشگاه تهران در اعتراض به حجاب و عفاف،

سوسیالیستی است، پلترمی که متضمن رهایی بشر از شر نظام مبتنی بر سرمایه داری و حکومت اسلامی سرمایه داران، و متضمن رهایی زنان از شر قوانین اسلامی و متضمن رفاه برای همگان باشد.

به #سازمان_جوانان_کمونیست پیوندید!

نه به بیکاری و بیگاری، نه به حجاب اجباری

نه به استثمار، نه به فقر،

نه به سرکوب، نه به جمهوری اسلامی

زنده باد مبارزات همبسته دانشجویان، کارگران، زنان

زنده باد آزادی و برابری، اداره شورایی، زنده باد سوسیالیسم

سازمان جوانان کمونیست

۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۸ - ۱۳ مه ۲۰۱۹

پیوند و همبستگی بین جنبش های رادیکال و مبارزاتی کارگری، دانشجویی و رهایی زن بیش از هر زمان مشهود بود.

سازمان جوانان کمونیست به همه دانشجویان در سراسر کشور فراخوان اعتراض وسیع به وضع موجود میدهد و از همه زنان، کارگران، معلمان، بازنشستگان، همه فعالین جنبشهای اعتراضی و انسانهای آزادیخواه و مدافع برابری و سکولاریسم میخواهد که با دانشجویان معترض اعلام حمایت کرده و از مبارزات دانشجویان علیه وضع موجود با تمام قوا حمایت کنند.

سازمان جوانان کمونیست به همه انسانهایی که خواهان پایان دادن به وضعیت موجود هستند فراخوان میدهد که به صف مبارزه متشکل و متحد پیوندند. لازمه فائق آمدن بر جمهوری اسلامی یک مبارزه هدفمند، سازماندهی شده و متحد بر مبنای یک پلترم انسان محور، آزادیخواهانه، برابری طلبانه و سکولار و

اعتراض کارگران نیشکر هفت تپه به حضور شورای اسلامی در شرکت

فعالیت و جست و خیز شوراهای اسلامی و چهره های منفور و شناخته شده در نیشکر هفت تپه ادامه تقلائی حکومت برای خاموش کردن این کانون محبوب و فعال مبارزه کارگری است. اما هرچه این تقلاهای مذبحخانه بیشتر میشود نفرت کارگران از حکومت و حمایت از رهبران واقعی کارگری گسترش بیشتری می یابد. اسماعیل بخشی و کارگران نیشکر هفت تپه در قلب کارگران و مردم جای دارند و ادامه زندانی کردن اسماعیل بخشی و تقلاهای نفرت انگیز برای تبدیل هفت تپه به محل فعالیت مزدوران حکومتی، نفرت و انزجار کارگران از حکومت و نهادهایش را افزایش خواهد داد.

حزب کمونیست کارگری پشتیبانی قاطع خود را از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه برای بیرون راندن شورای اسلامی از این کارخانه و آزادی فوری و بدون قید و شرط اسماعیل بخشی رهبر محبوب کارگران اعلام میکند. حزب همچنین خواستار اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار "آی ال او" و تمامی نهادها و مراجع بین المللی است. جمهوری اسلامی دشمن قسم خورده کارگران است و نه نماینده کارگران. جای دست اندرکاران جمهوری اسلامی بخاطر ۴۰ سال جنایت و سرکوب پشت میز محاکمه است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ مه ۲۰۱۹ - ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۸

کارگران شورای اسلامی را بدرست بعنوان مزدوران و جاسوسان حکومت میدانند و خواستار خروج آنان از محیط های کار هستند. کارگران به حضور هر ساله نمایندگان شوراهای اسلامی تحت عنوان "نماینده کارگر" در اجلاس سازمان جهانی کار اعتراض دارند و بارها این را اعلام داشته اند.

از سوی دیگر بر اساس آخرین گزارشات منتشر شده از روز ۱۹ اردیبهشت تا کنون بیش از ۲۰ نفر از کارگران هفت تپه که در تجمع اعتراضی علیه شورای اسلامی و تعویق پرداخت دستمزدهایشان شرکت کرده اند، از طرف مامورین امنیتی احضار و مورد تهدید قرار گرفته اند.

سندیکای نیشکر هفت تپه طی بیانیه ای ضمن گزارش این خبر دستگیری و احضار کارگران را محکوم کرده است. در بخشی از این بیانیه خطاب به کارگران چنین آمده است "سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه برای چندمین بار اعلام می دارد که شورای اسلامی کار، یک نهاد دولتی است که تنها در راستای منافع صاحبان سرمایه ایجاد شده تا منافع طبقاتی کارگران را قربانی منافع صاحبان سرمایه بکند. کارگران مبارز و حق طلب در هفت تپه! نماینده واقعی شما، اسماعیل بخشی همچنان در زندان است، اجازه ندهید افرادی که در شورای اسلامی کار هستند خود را بعنوان نماینده شما معرفی کنند. نماینده واقعی شما در زندان است، صدای اسماعیل بخشی باشیم و خواستار شویم که اسماعیل بخشی فوری و بی قید و شرط آزاد شود".

روز ۱۹ اردیبهشت جمعی از کارگران نیشکر هفت تپه در اعتراض به ادامه فعالیت شورای اسلامی کار این نهاد جاسوسی حکومتی در کارخانه و بازگشت دوباره کاظمی قائم مقام شرکت و تعویق پرداخت دستمزدهایشان دست به تجمع زدند. طبق خبر منتشر شده از سوی سندیکای نیشکر هفت تپه پادوهای شورای اسلامی در هفت تپه در روزهای اخیر دیداری با نمایندگان سازمان جهانی کار در تهران داشته اند. بر نامه ریزی برای انجام این ملاقات توسط اسد بیگی کارفرمای شرکت صورت گرفته بود. نکته جالب اینست که بعد از خاتمه این ملاقات، از طرف آقای اسدیکی بعنوان کادو!!! به هر کدام از افراد شورای اسلامی کار، یک گوشی موبایل تحویل داده شده است. بنا بر خبرها این موضوع موجب نزاع در میان خود مسئولین شرکت هفت تپه شده و کاظمی قائم مقام شرکت تحت عنوان اینکه بودجه این کادوها از کجا تامین شده است و سنگ کارگر را بر سینه زدن از کار استعفا داده و بهاری که رئیس کارخانه بوده به جای او بعنوان سرپرست شرکت تعیین میشود.

این تحرکات در عین حال در آستانه برگزاری اجلاس سالانه سازمان جهانی کار صورت میگیرد و نشان بارزی از فساد در دم و دستگاه تشکلهای دست ساز حکومتی و سازمان جهانی کار و ساخت و پاخت های پشت پرده آنان علیه کارگران است. این ملاقات همچنین مهندسی کارفرما و شورای اسلامی کار و مماشات سازمان جهانی کار با جمهوری اسلامی را آشکارا به نمایش میگذارد.

تجمع اعتراضی رانندگان کامیون اردکان علیه گرانی و چهار تجمع اعتراضی کارگری علیه دستمزدهای پرداخت نشده

کارگران تحت مسئولیت یکی از شرکت های پیمانکاری راه آهن مشغول کارند. اعتراضات کارگران پیمانی خطوط ابنیه فنی راه آهن در نواحی مختلف و در سطح سراسری تری از هفتم اردیبهشت آغاز شد.

روز ۱۶ اردیبهشت کارگران فضای سبز شهرداری کوت عبدالله، در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای چند ماهه شان با دست کشیدن از کار در مقابل ساختمان استانداری خوزستان تجمع کردند. در رابطه با این موضوع کارگران فضای سبز شهرداری کوت عبدالله طی یک ماه گذشته چندین بار در مقابل نهادهای مختلف دولتی استان دست به تجمع اعتراض زده اند که آخرین آن در نهم اردیبهشت در مقابل ساختمان استانداری انجام شد.

کارگران متمایر خواستار متوقف شدن بیکارسازیها و بازگشت به کار کارگران اخراجی، پرداخت فوری دستمزدهای پرداخت نشده و قرار دادن کار آنها در رده کارهای سخت و زیاد آور است. بنا بر خبرها در رابطه با همین موضوعات این کارگران در خردادماه ۹۷ نیز تجمعاتی اعتراضی در مقابل وزارت نیرو برپا کردند. شرکت مهندسی تعمیرات انتقال نیروی تهران (متانیر) وظیفه تعمیرات و نگهداری خطوط انتقال و پست های فشارقوی زیر مجموعه برق منطقه ای تهران در سه استان تهران، البرز و قم را بر عهده دارد.

روز ۱۷ اردیبهشت شماری از کارگران خطوط ابنیه فنی راه آهن نواحی نورآباد و شازند اراک به دلیل عدم پرداخت دو ماه دستمزد خود درست از کار کشیده و تجمع اعتراضی برپا کردند. این کارگران بعلاوه برخی مزایای عرفی خود همانند حق بن خود را طلب دارند. این

روز ۱۷ اردیبهشت گروهی از رانندگان کامیون اردکان در اعتراض به کاهش دستمزدهایشان و افزایش نرخ قطعات و لوازم یدکی، گرانی قیمت لاستیک و عدم توزیع آن بین رانندگان و انبوهی مشکلات دیگر دست به تجمع زدند و کامیونهایشان را در امتداد هم در کنار جاده پارک کردند. یک موضوع مهم اعتصابات قدرتمند رانندگان کامیون و کامیونداران در سال گذشته که ۳۲۰ شهر را در بر گرفت، اعتراض به گرانی ها و پایین آمدن قدرت خرید هر روزه آنان بود.

روز ۱۸ اردیبهشت کارگران شرکت مهندسی تعمیرات انتقال نیروی تهران (متانیر)، در اعتراض به اخراجها و تعویق پرداخت دستمزدهایشان مقابل ساختمان وزارت نیرو تجمع کردند. این کارگران در پی مشکلات ناشی از تعدیل نیرو و مسائل حقوقی، این کارگران در چهارشنبه هفته گذشته نیز بخاطر همین مشکلات تجمع داشتند.